



دانشکده علوم انسانی

بررسی تطبیقی «عالم مثال و ویژگی‌های آن» از منظر شیخ اشراق و ملاصدرا

نگارش:

احمد رضا عباس‌نژاد

استاد راهنما: دکتر زهرا کاشانیها

استاد مشاور: دکتر ناصر مهدوی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

دی ماه 1389

بسمه تعالی



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب احمد رضا عباس نژاد متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاورد های پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است . این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه تربیت مدرس شهید رجایی می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو

احمد رضا عباس نژاد

امضاء



دانشکده علوم انسانی

بررسی تطبیقی «عالم مثال و ویژگی‌های آن» از منظر شیخ اشراق و ملاصدرا

نگارش:

احمد رضا عباس‌نژاد

استاد راهنما: دکتر زهرا کاشانیها

استاد مشاور: دکتر ناصر مهدوی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فلسفه و حکمت اسلامی

دی ماه 1389

تقدیم به :

به وطن ، این مادر کهن

و

تمامی آنانکه خون خود را تقدیم دامن پاک آن کردند.

تقدیر و تشکر:

قال رسول الله (ص): «لَا يَشْكُرُ اللَّهَ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ» (امالی، شیخ طوسی، ص 383)

پس از حمد و ثناء الهی و درود بر وسائط فیض او، محمد (صلی الله علیه و اله و سلم) و عترت پاکش (علیهم السلام)

به سامان آمدن این رساله، مرهون الطاف بی دریغ استاد راهنمای بنده سر کار خانم دکتر زهرا کاشانیها است که این حقیر را رهین منت خود ساختند و در طول تحقیق با صبر و حوصله، با مطالعه اوراقی که تقدیمشان می‌کردم از راهنماییها و ارشادات ارزنده ایشان بهره‌مند شدم. از لطف و بزرگواری ایشان سپاسگزارم.

همین‌طور از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر ناصر مهدوی در مقام استاد مشاور اثر سپاسگزاری می‌شود.

همچنین از اساتید محترم گروه فلسفه، مخصوصاً جناب آقای دکتر عین 000 خادمی، مدیر محترم گروه فلسفه که امور مربوط به گروه را سامان می‌بخشند، قدردانی می‌کنم. از ریاست محترم دانشکده، جناب آقای دکتر احمدی و سایر مسئولین که در راستای شکوفایی علوم انسانی تلاش می‌نمایند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

یادآور می‌شوم که اگر موارد حسنی در این اثر یافت شود مرهون زحمات و راهنمایی‌های استاد راهنما است و کاستیهای آن متوجه این حقیر می‌باشد.

در خاتمه بر خود لازم می‌دانم از همسر و فرزندانم که حوصله به خرج دادند و در به مقصد رساندن این بار سنگین بنده را یاری دادند تشکر ویژه داشته باشم.

توفیق کلیه اساتید و اندیشمندان و معلمان دلسوز را از درگاه حضرت احدیت مسئلت می‌نمایم.

امید آنکه این تلاشها ذخیره برزخ و مراحل بعد از آن باشد.

چکیده:

عالم فعل یا تجلی خداوند است. این تجلی از دیدگاه انسانی، دو ساحت دارد؛ یکی ساحت ظاهر و دیگری ساحت باطن. ظاهر یا صورت، واقعیت خارجی و باطن یا معنا حقیقت نامشهود اشیا است. صورت یا امر ظاهری را می‌توان به «حسی یا مادی» ترجمه کرد و معنا یا امر معنوی را می‌توان به «فراحسی یا روحانی» ترجمه کرد. قطعاً بین صورت و معنا، حسی و فراحسی یا مادی و روحانی تضاد است. و لزوماً امر سومی هست که این امور متضاد را به هم پیوند می‌دهد.

این قلمرو مبهم و پنهان اگر ظهور و بروز کند «مثال» یا «برزخ» نامیده می‌شود. همانطور که محققین، واژه «برزخ» را از ریشه «برز و بروز» می‌دانند.

در عالم هستی یا «عالم کبیر» و تنزل اشیاء از خزائن الهی؛ «مثال» همان واسطه ظهور یافته بین عقول مجرد و حقایق مادی است که در حکمت متعالیه به آن عالم مثال (چون نمونه و شبیحی است از واقعیت عقلی) و در شریعت مقدسه، عالم اظله و اشباح می‌گویند.

بنابراین عالم مثال یکی از مباحث مهم و دقیق فلسفی و عرفانی است با این وجود شیخ اشراق بود که به آن اهمیت ویژه‌ای داد به گونه‌ای که فیلسوفان و شارحان بعد از وی در مباحث خود این عالم را مورد بحث قرار دادند. ملاصدرای شیرازی این موضوع را به طور وسیع پیگیری نمود و مباحث عمده‌ای را به عالم مثال اختصاص داده است.

کیفیت اثبات عالم مثال از طریق آیات و روایات و دلایل عقلی مطرح شده است که بهترین دلیل عقلی برای اثبات، قاعده امکان اشرف است که تقریرات گوناگونی از آن بیان شده که تقریر ملاصدرای آسان‌ترین آنها است. نقل این قاعده از نظر حکیم سبزواری هم آمده است.

عالم مثال در یچه ای برای آشنا شدن به عالم غیب است و به همین خاطر فلاسفه مسائلی از قبیل رؤیا معراج، طی الارض و ... همه را از طریق عالم مثال اثبات کرده اند.

فلاسفه برای این که نحوه ارتباط عالم مادی با عقل را بیان کنند عالم مثال را مطرح می‌کنند. انسان مادی در دنیا با بدن عنصری و در آخرت با بدن مثالی است تا سنخیت بین ماده و عقل رعایت شود و اعمال انسان در آخرت از قبیل تجسم اعمال، سؤال و فشار قبر و سعادت و شقاوت و... همه را بر اساس عالم مثال اثبات می‌کنند.

این عالم به برکت ویژگیهایی که دارد عالمی است دارای صوری مرسوم به صور خیالی که با ماده عالم طبیعت در آمیخته نیستند. علت این که این صور را «مُثَل معلقه» نیز نامیده اند همین است با وجود این، اینها صوری هستند دارای رنگ و شکل و بو و هر ویژگی دیگری که با صور این عالم [عالم طبیعت] همراه است.

عالم مثال ، عالم واقعیاتی است عینی که در عین حال جسمانی نیستند ، عالمی است بدون فاصله فوق عالم طبیعت و با شهر های اساطیری « جابلق » و « جابلس » یکی است عالمی است که افراد صاحب بصیرت آن را در همین زندگی می یابند و آدمیان در هنگام مرگ بدان وارد می شوند. وظیفه این رساله تشریح عالم مثال و ویژگی های آن از منظر سهروردی و ملاصدرا می باشد. واژه های کلیدی:

عالم مثال - شیخ اشراق - ملاصدرا - حکمت اشراق - حکمت متعالیه - خیال - قوس صعود - قوس نزول - تجرد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	1- فصل اول: طرح مسأله.....
2	1-1- مقدمه
7	2-1- بیان مسئله و پرسشهای تحقیق.....
8	3-1- اهمیت و ضرورت تحقیق
9	4-1- اهداف تحقیق.....
9	5-1- کاربرد نتایج تحقیق
10	6-1- تعریف کلید واژه ها
12	2- فصل دوم: کلیات و پیشینه بحث عالم مثال
13	1-2- بخش اول: کلیات
14	مقدمه
14	1-1-1- واژه عالم در لغت و اصطلاح.....
16	2-1-2- واژه مثال در لغت.....
16	3-1-2- عالم مثال در اصطلاح.....
18	4-1-2- اسامی عالم مثال و وجه تسمیه آنها.....
21	5-1-2- اقسام عالم مثال.....
21	6-1-2- تفاوتهای عالم برزخ نزولی و صعودی.....
23	بخش دوم: پیشینه بحث عالم مثال.....
24	مقدمه
24	1-2-2- افلاطون.....
26	2-2-2- ارسطو.....
28	3-2-2- فلوطین.....
31	4-2-2- ابن سینا.....
34	5-2-2- عرفا.....

فهرست

- 37..... 6-2-2- ابن عربی
- 37..... 7-2-2- شیخ داود قیصری
- 39..... 8-2-2- محقق لاهیجی
- 41..... 9-2-2- اندیشه‌های فلاسفه جدید در مورد عالم مثال
- 41..... 1-9-2-2- دکارت
- 41..... 2-9-2-2- لایب نیتز
- 42..... 3-9-2-2- مالبراش
- 42..... 4-9-2-2- اسپینوزا
- 42..... 5-9-2-2- هگل
- 43..... 6-9-2-2- آلفرد نورث وایتهد
- 44..... 7-9-2-2- ویلیام چیتیک
- 45..... 10-2-2- میرداماد
- 46..... 11-2-2- فیاض لاهیجی
- 47..... 12-2-2- حکیم سبزواری
- 50..... 13-2-2- علامه طباطبایی
- 51..... نکاتی مقایسه‌ای
- 54..... فصل سوم: روش تحقیق
- 55..... 1-3- مقدمه
- 55..... 2-3- روش تحقیق
- 55..... 3-3- ابزار گرد آوری داده‌ها (اطلاعات)
- 55..... 4-3- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها (اطلاعات)
- 55..... 5-3- نوع تحقیق
- 56..... 4- فصل چهارم: سهروردی
- 57..... بخش اول: زندگی نامه سهروردی

فهرست

58.....	مقدمه
58.....	1-1-4 - زندگی سهروردی
59.....	2-1-4 - ادوار سه گانه زندگی سهروردی
61.....	3-1-4 - کتب و رسالات سهروردی
62.....	4-1-4 - چگونگی شهادت سهروردی
64.....	5-1-4 - چند نکته در باب حکمه الاشراق
65.....	6-1-4 - منابع حکمه الاشراق
69.....	7-1-4 - معنا و مراتب حکمت از منظر شیخ اشراق
73.....	بخش دوم: اثبات عالم مثال منفصل
74.....	مقدمه
74.....	1-2-4 - انگیزه طرح عالم مثال
75.....	2-2-4 - عالم مثال در منظر شیخ اشراق
77.....	3-2-4 - اهمیت عالم مثال سهروردی
80.....	4-2-4 - ویژگی های عالم مثال
84.....	5-2-4 - «مثل معلقه» سهروردی
86.....	6-2-4 - «مثل معلقه» همان «مثل افلاطونی» نیست
87.....	7-2-4 - شهرهای عالم مثال
88.....	8-2-4 - عروج به هور قلیا ، جهان افلاک مثالی و استماع نعمات دل انگیز
89.....	9-2-4 - شهرهای عالم مثال در روایات
91.....	10-2-4 - تقسیمات عوالم
94.....	11-2-4 - خفی بالذات بودن جسم مادی با مظهر بودن برای صور معلقه منافاتی ندارد
97.....	12-2-4 - استدلالهای سهروردی برای اثبات وجود عالم مثال
97.....	1-12-2-4 - استدلال نخست از طریق پذیرش صورتهای خیالی و تأمل در این صور و آنگاه اثبات وجود عالم مثال است

فهرست

- 100..... 2-12-2-4- استدلالات دوم: از طریق قاعده امکان اشرف و آنگاه اثبات وجود عالم مثال است.
- 102..... 3-12-2-4- استدلال سوم: دیدن مقام «کن» دلیلی بر وجود عالم مثال
- 102..... 13-2-4- طبقات عالم مثال
- 103..... 14-2-4- موجودات عالم مثال و ظهور آنها در عالم مادی
- 106..... بخش سوم: عالم خیال و صور خیالی
- 107..... 1-3-4- تعریف قوه خیال
- 108..... 2-3-4- قوه خیال از نظر سهروردی
- 109..... 3-3-4- کیفیت حصول ادراک خیالی از نظر بوعلی و سهروردی
- 111..... 4-3-4- جایگاه خیال و صور خیالی
- 112..... 5-3-4- اشکال سید جلال الدین آشتیانی بر نظریه شیخ اشراق
- 113..... 6-3-4- تجرد خیال و شیخ اشراق
- 114..... 7-3-4- تناظر بحث معرفت‌شناسی با وجودشناسی
- 117..... 8-3-4- رخدادهای عالم مثال
- 121..... 9-3-4- مصادیق صور مثالی یا موجود مثالی از نظر سهروردی
- 125..... 5- فصل پنجم: ملاصدرا**
- 126..... بخش اول: زندگی ملاصدرا
- 127..... مقدمه
- 128..... 1-1-5- طلوع خورشید
- 129..... 2-1-5- آغاز سفر
- 129..... 3-1-5- اساتید ملاصدرا
- 130..... 4-1-5- مراحل سیر و سلوک
- 132..... 5-1-5- در کنج غربت
- 133..... 6-1-5- سفر عرشی

فهرست

- 134..... 7-1-5 - خورشید جهان افروز
- 135..... 8-1-5 - آفتاب آمد دلیل آفتاب
- 136..... 9-1-5 - فروغ حکمت متعالیه
- 137..... 10-1-5 - آثار ماندگار
- 139..... 11-1-5 - غروب خورشید
- 140..... بخش دوم: عالم مثال منفصل یا برزخ نزولی
- 141..... مقدمه
- 141..... 1-2-5 - ضرورت عالم مثال
- 143..... 2-2-5 - ویژگی های عالم مثال
- 150..... 3-2-5 - مثال مطلق یا مثال معلقه غیر از مثل افلاطونی است
- 151..... 4-2-5 - شواهد نقلی بر عالم مثال
- 152..... 1-4-2-5 - ملکوت
- 152..... 2-4-2-5 - عرش
- 152..... 3-4-2-5 - اشباح
- 153..... 4-4-2-5 - عالم صور
- 154..... 5-4-2-5 - عالم اظله و اطلال
- 154..... 6-4-2-5 - امر بین روح و جسد
- 154..... 7-4-2-5 - جابلقا و جابلسا
- 155..... 5-2-5 - تقسیمات عوالم و اعتقاد به آنها
- 157..... 6-2-5 - ارتباط بین عوالم سه گانه
- 158..... 7-2-5 - استدلالهای ملاصدرا بر اثبات وجود عالم مثال
- 160..... 1-7-2-5 - ضرورت وجود موطن و جایگاه برای صور مقداری و خیالی
- 160..... 2-7-2-5 - برهان مبتنی بر قاعده امکان اشرف
- 163..... 3-7-2-5 - اثبات عالم مثال در قوس نزول بر اساس اصل «تشکیک در وجود»

فهرست

- 163..... 4-7-2-5 قوه متخیله و صور خیالی در انسان.....
- 164..... 5-7-2-5 تحقق موجودات خیالی در نفس دلیل بر امکان خیال منفصل است.....
- 165..... 6-7-2-5 سنخیت بین علت و معلول.....
- 165..... 7-7-2-5 تطابق عین و ذهن.....
- 166..... 8-2-5 رؤیت در نظر ملاصدرا.....
- 168..... 9-2-5 ادله منکرین عالم مثال و نقد آنها در فلسفه صدرایی.....
- 174..... 10-2-5 بدن مثالی.....
- 174..... 1-10-2-5 تصرف نفس در بدن طبیعی به واسطه بدن مثالی است.....
- 175..... 2-10-2-5 بدن مثالی مشهود حواس باطنی بوده و از حواس ظاهری مخفی است.....
- 176..... 3-10-2-5 نفس جزئیات را به واسطه بدن مثالی درک می کند.....
- 177..... بخش سوم: عالم خیال و اثبات تجرد آن.....
- 178..... 1-3-5 «خیال» قلمرو خلاقیت انسان.....
- 179..... 2-3-5 جایگاه قوه خیال.....
- 180..... 3-3-5 مادی بودن قوه خیال و ادله آن.....
- 183..... 4-3-5 صور خیالی در نظر ملاصدرا.....
- 184..... 5-3-5 اثبات تجرد خیال و ادله آن.....
- 186..... 6-3-5 نتایج تجرد خیال.....
- 186..... 1-6-3-5 تجرد خیال توجیه کننده حیات برزخی بعد از مرگ.....
- 188..... 2-6-3-5 تجرد خیال رمز بقاء نفوس بعد از مرگ.....
- 188..... 3-6-3-5 تجرد خیال رمز ماندگاری خاطرات در دوران کهولت و پیری.....
- 188..... 4-6-3-5 تجرد خیال توجیه کننده معراج انبیاء الهی.....
- 189..... 5-6-3-5 تجرد خیال توجیه کننده ارتباط با ارواح و مجردات غیر مادی.....
- 6-6-3-5 همچنین بر حسب نظر صدرالمتألهین تحقیق در احوال قبر و ثواب و عقاب و احوال برزخ و حشر اجساد و ادراکات جزئی بر اساس تجرد و خیال است.....
- 190.....

فهرست

190.....	7-3-5- صور خیالی و مثالی
190.....	8-3-5- تناظر بحث معرفت‌شناسی با وجودشناسی در فلسفه صدرای
195.....	9-3-5- جایگاه صور خیالی
195.....	10-3-5- ویژگی‌های قوه خیال و صور خیالی
197.....	11-3-5- ارتباط قوه خیال با معاد جسمانی
199.....	فصل ششم: اختلاف نظر ملاصدرا با شیخ اشراق
200.....	مقدمه
201.....	1-6- بخش اول: صور مخیله
201.....	2-6- بخش دوم: صور مشهود در آینه (صور مرآتیی)
202.....	3-6- بخش سوم: عدم تجرد و تجرد قوه خیال
205.....	4-6- نتیجه‌گیری
207.....	پیشنهاد
208.....	فهرست منابع

فصل اول :

طرح مسأله

1-1 مقدمه

نگرش دو فیلسوف مشهور جهان اسلام: سهروردی و ملاصدرا، به کل هستی، نگرشی بنا شده بر وجود خداوند متعال است که خداوند متعال را آغاز هستی می‌داند و آفریننده جهانها. در فرایند آفرینش خداوند متعال دو تجلی و دو فیض است فیض اقدس و فیض مقدس. خداوند متعال با یک فیض بر خود تجلی می‌کند و تمنای هستی را در آفریدگان فراهم می‌آورد و با فیض دیگر به هر شی وجود می‌بخشد. از این رو آفرینش ما گرچه آغاز بردار نیست و از دیگر سوی، همه هستی، گرچه در یک آن هست شده، اما هستی را پایه‌ها و مرتبه‌هایی است.

مقام غیب الغیوب ویژه خداوند متعال است همان مقامی که در آن خدا، خدا بود در حالیکه هیچ چیز و هیچ کس نبود. مقام بعدی همان فیض اقدس یا مقام صفات و اسماء خداوند متعال است که در واقع مقام جمع الجمع است مقامی که هنوز هیچ کثرتی را در آن راه نیست پس از این مقام فیض مقدس فرا می‌رسد که در آن راه برای پیدایش کثرات باز می‌گردد. اینجاست که هستی دارای رتبه و درجه می‌شود.

به طور معمول عالم را تقسیم می‌کنند به غیب و شهادت، این بدان معنا نیست که تنها همین دو عالم را در هستی سراغ داریم بلکه عالم غیب خود مراتبی دارد. عالم شهادت همین عالم طبیعت و ملک و ناسوت است. اما عالم غیب، ملکوت، جبروت و لاهوت را در بر می‌گیرد. می‌توان تعبیر دیگری آورد و گفت جهان غیب، جهان روح، جهان عقل و جهان نفس است. جهان نفس همان جهان برزخی میان جهان طبیعت و جسم و ماده است و جهان عقل و ملکوت و جهان مجردات.

برخلاف معرفت‌شناسی (دوبین) که تنها جهان آشکار و جهان پنهان (عقل) را به رسمیت می‌شناسد معرفت‌شناسی دیگری بیشتر از دو جهان را به رسمیت می‌شناسد این گونه معرفت‌شناسی تاویلی (هرمنوتیک) است که براساس آن تفکر دینی و رمزی_تاویلی و اسطوره‌ای معنی خود را پیدا می‌کند. قضایای این نوع معرفت‌شناسی تنها قضایایی تجربی-تاریخی نیست، بلکه نوع سومی از قضایا در این گونه معرفت‌شناسی جا پیدا می‌کند قضایای دینی - اسطوره‌ای اندیشه ملاصدرا و سهروردی اندیشه ای با گرایش به رمز (تاویل) است. از این روی این دو فیلسوف برای اینکه اندیشه خود را بنیانی استوار بخشند بنا به ضرورت معرفت‌شناسی، بایستی جهانی میانجی بیابند که بسیاری از یافته‌هایشان معنای خود را نشان دهد و این جهان «عالم مثال» یا «برزخ» است. عالم مثال، عالمی در لامکان و نا

کجا آباد، مبحث مهمی در فلسفه و عرفان اسلامی است و همواره خاطر حکما و عرفای بسیاری را به خود مشغول داشته است.

این عالم که فاقد ماده ولی دارای خصوصیات و عوارض آن می‌باشد در آثار رمز گونه و تمثیلی حکیمان صاحب ذوق، جایگاه خاصی دارد و بسیاری از خلسه‌های ملکوتی سالکان طریقت در این عالم صورت می‌گیرد.

این قلمرو مجمع اضداد است، هم نور است و هم ظلمت؛ هم عالی است، هم دانی؛ هم مجرد است، هم مادی، مثلاً تصویر شما در آینه، شما هست و شما نیست. از یک جهت هست و از یک جهت نیست. تجلی، نمونه و مثال شماست نه خود شما؛ یا امور خیالی، که نمود و ظهور واقعیت‌اند نه خود واقعیت؛ پس به این قلمرو اگر خیال هم گفته شود، بی‌معنا نیست.

پس «برزخ»، «مثال» و «خیال» سه واژه مختلف‌اند اما هر سه به یک حوزه و قلمرو که حالت بینابینی دارد اشاره دارند.

گرچه این مبحث، قبل از سهروردی و مخصوصاً در میان اندیشمندان فارس و ایرانیان باستان مطرح بوده با این وجود «شیخ اشراق» به آن اهمیت ویژه‌ای داد، بگونه‌ای که فیلسوفان و شارحان پس از وی در مباحث خود، فصل جداگانه‌ای برای این مبحث گشودند و آن را مورد بحث قرار دادند.

این عالم معمولاً به «اقلیم هشتم» که پشت کوه قاف است، شهرت یافته‌است. این اقلیم به علت غیر مادی بودن در نقشه جغرافیایی نمی‌گنجد و وراء هفت اقلیم است. این جهان یک جهان خیالی است، اما موهوم نیست و وجود خارجی ندارد اما حقیقی است. موجودات خیالی و مثالی آن، واقعیاتی هستند که فراتر از مکان و زمانند و شیخ با ادله و برهان وجود این عالم را به اثبات می‌رساند.

در عالم مثال دو جهان طبیعت و ملک و جهان عقل و ملکوت به یکدیگر تبدیل و تبدل می‌یابند، روح جسمانی می‌شود و جسد روحانی، نه طبیعت محض است نه عقل صرف نه این است و نه آن. جایگاه رخداد اموری است که از یک جهت همانند جهان خاک‌اند و از جهت دیگر همانند جهان عقول پایی در این جهان دارند و دستی در جهان دیگر، (تجرد عقلانی) جهانی است که به رخدادهای غیبی و رویا های صادقانه معنا می‌بخشد و بسیاری از معجزه‌ها و کرامت‌ها با پذیرش این جهان معنا پیدا می‌کند. بررسی حقیقی این عالم از دیدگاه سهروردی فقط در «حکمه الاشراق» سهروردی امکان

پذیر است. زیرا تنها در این کتاب است که شیخ آن را از لحاظ وجودشناسی و معرفت‌شناسی مطرح نموده و موجودات و عجایب را در آن وصف کرده است.

وی در حکمه الاشراق جایگاه این عالم را در دار هستی آشکار ساخته و آنرا دارای دو بخش ظلمانی و نورانی می‌داند. در بخش نورانی آن متوسطین و در بخش ظلمانی، نفوس شریبه و ناقص جای گرفته‌اند. این عالم با مثل افلاطونی متفاوت می‌باشد. از عالم جسمانی اشرف است. زیرا هر آنچه در عالم جسمانی یافت می‌شود در آنجا با کیفیتی عالی‌تر وجود دارد و کون و فساد در آن راه ندارد، زیباییهایش فوق تصور، الحان و نغمات و روایحش غیر قابل توصیف و درک آنها به واسطه حواس ظاهری ناممکن است.

در میان فیلسوفان مشهور جهان اسلام ابوعلی سینا بشدت منکر وجود جهان میانجی بین جهان طبیعت و جهان عقول است. ملاصدرا از این انکار ابوعلی سینا ابراز شگفتی می‌کند که وی درپاره‌ای از نوشته‌ها آن را به اشاره و به گونه‌ای سر بسته می‌پذیرد اما در «شفاء» مهم‌ترین اثر فلسفی مشائی خود، آن را انکار می‌کند. اما سهروردی با کمال اطمینان و با برهانهای عقلی و مواجید عرفانی بطور کامل بدان باور دارد و در اصل بدون وجود (عالم مثال) در تفکر سهروردی شکاف ژرف و بزرگی پدید می‌آید. ملاصدرا که از اندیشه سهروردی بشدت اثر پذیرفته است خود از جمله کسانی است که «عالم مثال» را پذیرفته و به وجود چنین عالمی اذعان دارد و با شیخ اشراق که این عالم را به نحو کامل توضیح و تبیین نموده موافق است، لیکن در دو مساله با شیخ مخالفت دارد:

نخست اینکه صور خیالی در صقع نفس موجود است نه در عالم مثال و دوم اینکه صور موجود در آینه در عالم مثال نبوده و در عالم طبیعی و جسمانی موجود می‌باشند.

اندیشه‌های سهروردی پلی بود که برای تعالی رسیدن حکمت اسلامی ضروری می‌نمود. بر این اساس بایستگی دگرگونی تاریخی از فلسفه مشاء بر حکمت متعالیه ملاصدرا حلقه حکمه‌الاشراق لازم می‌نمود که البته بدون ظهور و بروز آن می‌توان انگاشت که ملاصدرا به تنهایی کشیدن این بار سنگین فکری را نداشت.

تلاش های فکری سهروردی و ادامه دهندگان اندیشه او، راه را برای پیمودن باقیمانده راه برای ملاصدرا هموار کردند و این اندیشه‌ها را ملاصدرا به سر منزل مقصود رساند.

سهروردی برای نخستین بار به این نکته در جهان اسلام اشاره می‌کند و اهمیت آن را در مسأله شناخت جهان تأیید می‌کند.

با این بیان مختصر، خوانندگان محترم به خود انصاف می‌دهند که موضوع «بررسی تطبیقی عالم مثال و ویژگی‌های آن از دیدگاه شیخ اشراق و ملاصدر» دامنه و گستره بسیار وسیعی را در اندیشه اسلامی و معارف عقلی، به خود اختصاص داده است، که پرداختن به همه ابعاد و جوانب آن کار آسانی نیست.

بنده با اعتراف به عجز خود، تنها به اندازه بضاعت اندک خود به این موضوع پرداخته‌ام، قطعاً معارف عمیق، دقیق و جالب توجهی از قلم افتاده که شایسته است دیگران به آن پرداخته و آن را تکمیل نمایند و اما مطالب مطرح شده در این رساله بطور اختصار:

این رساله که در شش فصل تدارک دیده شده:

فصل اول: با عنوان «طرح مسأله» می‌باشد مقدمه، بیان مسأله و پرسشهای تحقیق، اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف تحقیق، کاربرد نتایج تحقیق، و تعریف کلید واژه‌ها، مطالب مربوط به این فصل می‌باشند.

فصل دوم شامل دو بخش است: در بخش اول ذیل عنوان «کلیات» واژه «عالم» و واژه «مثال» در لغت و اصطلاح مختلف و نیز اسامی مختلف عالم مثال در فلسفه و وجه تسمیه هر یک، اقسام عالم مثال و برخی از تفاوت‌های برزخ نزولی و برزخ صعودی، مطرح و بررسی شده است. بخش دوم مربوط به پیشینه تاریخی بحث می‌باشد. در این بخش نخست به بیان آراء گوناگون در باب عالم مثال و موقعیت و اوصاف و مسایل دیگر مربوط به آن پرداخته و آنگاه مقایسه‌ای میان اندیشه‌های ارائه شده، صورت می‌گیرد.

فصل سوم: با عنوان «روش تحقیق» مطالب مختلفی مطرح شده که به ترتیب عبارتند از:

مقدمه، روش تحقیق، ابزار گردآوری داده‌ها (اطلاعات)، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها (اطلاعات)، و نوع تحقیق، مطالب مربوط به این فصل می‌باشد.

فصل چهارم نیز شامل سه بخش می‌باشد:

در بخش اول با عنوان «زندگی‌نامه شیخ اشراق»، مطالب مختلفی مطرح شده که به ترتیب عبارتند از:

زندگی سهروردی، ادوار سه‌گانه زندگی سهروردی، کتب و رسالت سهروردی، چگونگی شهادت سهروردی، چند نکته در باب حکمه الاشراق، منابع افکار سهروردی و معنا و مراتب حکمت از نظر سهروردی، مطالب مربوط به این فصل می‌باشند.

در بخش دوم: با عنوان «عالم مثال منفصل» از منظر شیخ اشراق اختصاص یافته‌است انگیزه طرح عالم مثال، عالم مثال در منظر شیخ اشراق، اهمیت عالم مثال سهروردی، ویژگی‌های عالم مثال، «مثل معلق»، «مثل معلق» با «مثل افلاطونی» شهرهای عالم مثال، عروج به «هور قلیه» جهان افلاک مثالی، و استماع نغمات دل‌انگیز، شهرهای عالم مثال در روایات تقسیمات عوالم (عوالم چهارگانه از دیدگاه سهروردی)، جایگاه عالم مثال، عدم منافات خفی بالذات بودن جسم مادی با مظهر بودن برای صور معلقه، استدلال‌های سهروردی برای اثبات وجود عالم مثال اولاً: (نخست) از طریق پذیرش وجود صور خیالی و تأمل در این صور، ثانیاً: از طریق قاعده امکان اشرف، ثالثاً دیدن مقام «کن» دلیلی بر وجود عالم مثال. طبقات عالم مثال، موجودات عالم مثال و ظهور در عالم مادی، مطالب مربوط به این بخش است.

در بخش سوم: ذیل عنوان «عالم خیال و صور خیالی»، تعریف قوه خیال از نظر سهروردی، کیفیت حصول ادراک خیالی از نظر بوعلی و سهروردی، جایگاه خیال، دو اشکال آشتیانی بر نظریه شیخ اشراق، تجرد خیال، اشکال بر شیخ مبنی بر نپذیرفتن تجرد قوه خیال و تناظر بحث معرفت‌شناسی با وجودشناسی، ثمرات تجرد خیال و صور خیال، و مصادیق صور مثالی یا موجود مثالی، از نظر سهروردی، مطرح و بررسی شده است.

فصل پنجم نیز شامل سه بخش است :

در بخش اول: با عنوان «زندگی‌نامه ملاصدر» مطالب مختلفی مطرح شده که به ترتیب عبارتند از: طلوع خورشید، آغاز سفر، اساتید ملاصدر، مراحل سیر و سلوک، در کنج غربت، سفر عرشی، خورشید جهان افروز، آفتاب آمد دلیل آفتاب، فروغ حکمت متعالیه، آثار ماندگار و غروب خورشید، که در این بخش به آن پرداخته شده است.

در بخش دوم: «به اثبات عالم مثال در حکمت متعالیه» اختصاص پیدا کرده است.

ضرورت عالم مثال، ویژگی‌های عالم مثال، «مثال مطلق یا مثل معلقه غیر از مثل افلاطونی است»، شواهد نقلی بر عالم مثال، تقسیمات عوالم و اعتقاد به آنها، ارتباط بین عوالم سه‌گانه، استدلال‌های